

المختصر المفيد للمسلم الجديد -
الإصدار الأخير (4-5-1443 هـ)
مختصر مفيد برای مسلمان جدید

مختصر مفید برای مسلمان جدید

ترتیب

محمد الشهري

1441 - 2020

بنام الله بخشاینده و مهربان

پیشگفتار

إِنَّ الْحَمْدَ لِلَّهِ، نَحْمَدُهُ وَنَسْتَعِينُهُ وَنَسْتَغْفِرُهُ، وَنَعُوذُ بِاللَّهِ مِنْ شُرُورِ
أَنْفُسِنَا وَمِنْ سَيِّئَاتِ أَعْمَالِنَا، مَنْ يَهْدِهِ اللَّهُ فَلَا مُضِلَّ لَهُ، وَمَنْ يَضِلَّ فَلَا
هَادِيَ لَهُ، وَأَشْهَدُ أَنْ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ وَحْدَهُ لَا شَرِيكَ لَهُ، وَأَشْهَدُ أَنَّ مُحَمَّدًا
عَبْدُهُ وَرَسُولُهُ.

اما بعد:

الله متعال فرزندان آدم را کرامت بخشیده و بالای بسیاری از
مخلوقات خویش برتری داده است، الله (متعال) فرموده است:

﴿وَلَقَدْ كَرَّمْنَا بَنِي آدَمَ﴾

﴿وَلَقَدْ كَرَّمْنَا بَنِي آدَمَ﴾

ترجمه: به یقین فرزندان آدم را کرامت دادیم. [الإسراء : 70] و در
کرامت این امت افزوده است طوری که بسوی آنان بهترین پیامبران
خود حضرت محمد (صلی الله علیه وسلم) را فرستاده و بهترین کتاب
های خود را بر آنان نازل نموده است، و برای آنان بزرگترین دین،
اسلام، را برگزیده است، الله (متعال) فرموده است:

﴿كُنْتُمْ خَيْرَ أُمَّةٍ أُخْرِجَتْ لِلنَّاسِ تَأْمُرُونَ بِالْمَعْرُوفِ وَتَنْهَوْنَ عَنِ الْمُنْكَرِ
وَتُؤْمِنُونَ بِاللَّهِ وَلَوْ آمَنَ أَهْلُ الْكِتَابِ لَكَانَ خَيْرًا لَهُمْ مِنْهُمُ الْمُؤْمِنُونَ
وَأَكْثَرُهُمُ الْفَاسِقُونَ﴾

﴿كُنْتُمْ خَيْرَ أُمَّةٍ أُخْرِجَتْ لِلنَّاسِ تَأْمُرُونَ بِالْمَعْرُوفِ وَتَنْهَوْنَ عَنِ الْمُنْكَرِ وَتُؤْمِنُونَ بِاللَّهِ وَلَوْ آمَنَ أَهْلُ الْكِتَابِ لَكَانَ خَيْرًا لَهُمْ مِنْهُمْ الْمُؤْمِنُونَ وَأَكْثَرُهُمُ الْفَاسِقُونَ﴾

ترجمه: شما بهترین امتی هستید که برای مردمان پدید آمده اند، به نیکویی امر می کنید و از بدی ها منع می کنید و به الله ایمان دارید، و اگر اهل کتاب ایمان می آوردند برای شان بهتر بود، از آنان بعضی مؤمن و بسیاری شان بدکار اند. [آل عمران : 110]. و از نعمت های بزرگ الله (متعال) بر انسان اینست که با هدایت وی بسوی اسلام، پایداری بر آن و عمل به احکام و قوانین آن بر وی منت نهاده است، و در این کتاب که از نگاه حجم کوچک و از نگاه محتوا بزرگ است، هدایت یافته جدید آنچه را که در آغاز اسلام او نباید از آن بی خبر بماند با روش مختصر ویژه گی های این دین بزرگ را می آموزد، تا اینکه هنگامی آنرا بداند و به مطابق آن عمل نماید، آغاز به طلب علم و افزایش به آن نموده تا باعث بیشتر شدن معرفت و شناخت او با پروردگار (متعال) و نبی او محمد (صلی الله علیه وسلم) و دین اسلام گردد. تا الله (متعال) را با تمام بینش و دانایی پرستد، و قلبش آرامش پیدا کند، و ایمان وی با نزدیک شدن به الله (متعال) به عبادت و پیروی سنت پیامبر او (صلی الله علیه وسلم) زیادتیر گردد.

و از الله (متعال) خواهانم که در هر کلمه این کتاب برکت بیاندازد، و به اسلام و مسلمانان نفع برساند و آنرا تنها جهت خشنودی خود قرار دهد، و اجر آنرا برای تمامی مسلمانان زنده و آنانیکه وفات نموده اند برساند.

وصلی الله وسلم علی نبینا محمد وعلی آله وصحبه أجمعین.

محمد بن الشیبة الشهري

1441 / 11 / 2 هـ

پروردگارم الله (متعال) است

• الله (متعال) فرموده است:

﴿يَا أَيُّهَا النَّاسُ اعْبُدُوا رَبَّكُمُ الَّذِي خَلَقَكُمْ وَالَّذِينَ مِنْ قَبْلِكُمْ لَعَلَّكُمْ تَتَّقُونَ﴾
﴿يَا أَيُّهَا النَّاسُ اعْبُدُوا رَبَّكُمُ الَّذِي خَلَقَكُمْ وَالَّذِينَ مِنْ قَبْلِكُمْ لَعَلَّكُمْ تَتَّقُونَ﴾

ترجمه: ای مردم پروردگار خود را پرستش کنید، آنکه شما و کسان قبل از شما را آفرید، تا پرهیزگار شوید. [البقرة: 21].

• الله (متعال) فرموده است:

﴿هُوَ اللَّهُ الَّذِي لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ﴾
﴿هُوَ اللَّهُ الَّذِي لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ﴾

او الله است که معبودی جز او نیست. [الحشر: 22].

• الله (متعال) فرموده است:

﴿لَيْسَ كَمِثْلِهِ شَيْءٌ ۚ وَهُوَ السَّمِيعُ الْبَصِيرُ﴾
﴿لَيْسَ كَمِثْلِهِ شَيْءٌ ۚ وَهُوَ السَّمِيعُ الْبَصِيرُ﴾

ترجمه: مانند او چیزی نیست، و او شنوا و بینا است. [الشوری: 11].

• الله (متعال) پروردگارم و پروردگار همه چیزها است، او مالک، خالق، روزی دهنده و تدبیر کننده هر چیز است.

• و او تنها مستحق عبادت است، پروردگاری جز او نیست و نه معبودی جز او وجود دارد.

• او نام های نیکو و صفات والایی دارد که برای خود ثابت کرده است، و پیامبر او (صلی الله علیه وسلم) نیز برای او (تعالی) ثابت

نموده است، و این نامها و صفات در نهایت کمال و زیبایی رسیده است، و هیچ چیزی مانند اونیست و او شنوا و بینا است.

از نام های نیکوی وی:

الرزاق، الرَّحْمَن، القدير، المَلِك، السميع، السَّلام، البصير، الوكيل، الخالق، اللطيف، الكافي، الغفور است.

الرزاق: ضامن رزق و روزی بندگان که در آن توانمندی قلب ها و بدن های آنان نهفته است.

الرحمن: صاحب مهربانی بزرگ و گسترده که همه چیز را در بر می گیرد.

القدير: دارای قدرت کامل که ضعف و ناتوانی بر او غالب نمی آید. الملک: او با صفات عظمت، توانایی و تدبیر موصوف است، صاحب همه چیزها و تصرف کننده در آنها می باشد.

السميع: آنکه همهء شنیدنی های پنهان و آشکار را درک می کند. السلام: منزّه و پاک از هر نقصان، آفت و عیب.

البصير: آن که بینایی او همه چیز را در بر می گیرد حتی اگر خورد یا کوچک باشد، صاحب بینش در چیزها، آگاه از آنها و با خبر از باطن آنها است.

الوكيل: آن که رزق و روزی مخلوقات خود را ضمانت کرده است، مراقب منافع آنها، و آن که دوستان خود را پشتیبانی کرده و آنها را برای شان آسان نموده و آنان را در امورشان کفالت می کند.

الخالق: آفریدگار چیزها و نو آور آنها بگونه که هیچ نمونه قبلی نداشته باشد.

اللطيف: آنکه بندگان خود را گرمی می دارد، به آنان مهربانی می کند، و خواست های آنان را بر آورده می سازد.

الکافی: آنکه بندگان خود را از تمام نیازمندی های شان بسنده می شود، و آنکه به کمکش از کمک دیگران بی نیاز می سازد، و انسان با داشتن وی از هر کس دیگر مستغنی می گردد.

الغفور: آنکه بندگان خود را از شر گناهان شان ننگه میدارد، و آنها را به سبب آن مجازات نمی کند.

مسلمان در مورد شگفتی آفرینش الله (متعال) و آسان سازی آن می اندیشد، و از آن جمله توجه مخلوقات از فرزندان خوردسال، و تلاش برای تغذیه آنها و مراقبت از آنها تا زمانی که به خود متکی شوند می باشد. پس پاکی است خالق آنها را، که بر آنها مهربان است، و از مهربانی او (تعالی) اینست که برای آنها کسی را آماده ساخته است که او را کمک می کند و حالت او را با وجود ضعف کامل او بهتر می سازد.

پیامبر محمد (صلی الله علیه وسلم)

الله (متعال) می فرماید:

﴿لَقَدْ جَاءَكُمْ رَسُولٌ مِّنْ أَنْفُسِكُمْ عَزِيزٌ عَلَيْهِ مَا عَنِتُّمْ حَرِيصٌ عَلَيْكُمْ
بِالْمُؤْمِنِينَ رَءُوفٌ رَّحِيمٌ﴾

﴿لَقَدْ جَاءَكُمْ رَسُولٌ مِّنْ أَنْفُسِكُمْ عَزِيزٌ عَلَيْهِ مَا عَنِتُّمْ حَرِيصٌ عَلَيْكُمْ
بِالْمُؤْمِنِينَ رَءُوفٌ رَّحِيمٌ﴾

ترجمه: هر آئینه فرستاده ای از خود شما به سوی شما آمد که رنج های شما بر او دشوار است، و حریص هدایت شماست و بالای مؤمنان دلسوز و مهربان است. [التوبة: 128].

الله (متعال) می فرماید:

﴿وَمَا أَرْسَلْنَاكَ إِلَّا رَحْمَةً لِّلْعَالَمِينَ﴾

﴿وَمَا أَرْسَلْنَاكَ إِلَّا رَحْمَةً لِّلْعَالَمِينَ﴾

ترجمه: و تو را جز رحمتی برای جهانیان نفرستادیم. [الأنبياء: 107].

محمد (صلی الله علیه وسلم) رحمت و هدیه بی از جانب الله (متعال) است.

وی محمد فرزند عبد الله (صلی الله علیه وسلم) آخرین پیامبران و فرستادگان است، الله (متعال) او را با دین اسلام به همهء مردم فرستاده است، تا آنان را بسوی خیر که بزرگترین آن یکتاپرستی است رهنمایی نماید، و از شر که بزرگترین آن شرک است منع نماید.

پیروی وی در آنچه امر نموده و تصدیق وی از آنچه خبر داده است واجب می باشد، واجتناب از آنچه نهی و منع نموده است، و الله (متعال) پرستش نشود مگر بگونه که شرع نموده است.

پیام محمد (صلی الله علیه وسلم) و پیام تمامی پیامبران قبل از وی دعوت بسوی پرستش الله یگانه که شریکی ندارد می باشد. از صفات وی (صلی الله علیه وسلم):

راستی، مرحمت، بردباری، صبر، شجاعت، کرم، اخلاق نیکو، عدل، فروتنی و بخشش می باشد.

قرآن کریم کلام پروردگار است

الله (متعال) می فرماید:

﴿يَا أَيُّهَا النَّاسُ قَدْ جَاءَكُمْ بُرْهَانٌ مِّن رَّبِّكُمْ وَأَنزَلْنَا إِلَيْكُمْ نُورًا مُّبِينًا﴾

﴿يَا أَيُّهَا النَّاسُ قَدْ جَاءَكُمْ بُرْهَانٌ مِّن رَّبِّكُمْ وَأَنزَلْنَا إِلَيْكُمْ نُورًا مُّبِينًا﴾
ای مردم! دلیل آشکاری از جانب پروردگارتان بسوی شما آمد و بسوی شما نور آشکاری را فرستادیم. [النساء: 174].

قرآن کریم کلام الله (متعال) است که آنرا بر پیامبر خود محمد (صلی الله علیه وسلم) نازل نموده است تا مردم را از تاریکی ها بسوی روشنایی بکشاند و آنان را بسوی راه راست رهنمایی کند. هر کس آن را تلاوت کند او را اجر بزرگی است، و هر آنکه به رهنمایی آن عمل کند بسوی راه درست راهیاب شده است.

با ارکان اسلام آشنا می شوم

رسول الله (صلی الله علیه وسلم) فرمودند: بُنِيَ الْإِسْلَامُ عَلَى خَمْسٍ، شَهَادَةِ أَنْ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ وَأَنَّ مُحَمَّدًا رَسُولُ اللَّهِ، وَإِقَامِ الصَّلَاةِ، وَإِيتَاءِ الزَّكَاةِ، وَصَوْمِ رَمَضَانَ، وَحَجِّ الْبَيْتِ

اسلام بر پنج بنا استوار است، گواهی بر اینکه هیچ معبودی بر حق بجز الله نیست و اینکه محمد فرستاده الله (متعال) است، و برپایی نماز، و پرداخت زکات، و روزه رمضان، و حج خانه کعبه.

ارکان اسلام عباداتی است که بر هر مسلمان لازم می باشد، و اسلام انسان تا وقت درست نمی شود تا که معتقد به وجوب و عمل کردن به همه آنها باشد، زیرا اسلام بر این ارکان بنا نهاده شده است و به همین علت بنام ارکان اسلام نامیده شده اند.

و این ارکان عبارت اند از:

رکن اول: گواهی دادن لا اله الا الله و ان محمد رسول الله (هیچ معبودی بر حق جز الله نیست و محمد رسول الله (متعال) است).
الله (متعال) می فرماید:

﴿فَاعْلَمْ أَنَّهُ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ﴾

﴿فَاعْلَمْ أَنَّهُ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ﴾

بدان که معبود بر حق بجز الله نیست. [محمد: 19].

الله متعال میفرماید:

﴿لَقَدْ جَاءَكُمْ رَسُولٌ مِّنْ أَنْفُسِكُمْ عَزِيزٌ عَلَيْهِ مَا عَنِتُّمْ حَرِيصٌ عَلَيْكُمْ
بِالْمُؤْمِنِينَ رَؤُوفٌ رَّحِيمٌ﴾

﴿لَقَدْ جَاءَكُمْ رَسُولٌ مِّنْ أَنْفُسِكُمْ عَزِيزٌ عَلَيْهِ مَا عَنِتُّمْ حَرِيصٌ عَلَيْكُمْ
بِالْمُؤْمِنِينَ رَؤُوفٌ رَّحِيمٌ﴾
ترجمه:

یقیناً پیامبری از [میان] خود شما به سویتان آمد که رنج دیدنتان بر
او [گران و] دشوار است و بر [هدایت] شما سخت اصرار دارد و
[نسبت] به مؤمنان، دلسوز [و] مهربان است. [التوبة: 128].
معنای گواهی بر لا إله إلا الله: نیست معبود بر حق بجز الله
(متعال).

معنای گواهی این که محمد رسول الله است: پیروی وی در آنچه
امر کرده است، تصدیق وی در آنچه خبر داده است، اجتناب از آنچه
منع و نهی کرده است، و الله (متعال) عبادت نشود بجز به گونه‌ای که
شرع نموده است.

رکن دوم: برپایی نماز.
الله (متعال) می فرماید:

﴿وَأَقِيمُوا الصَّلَاةَ﴾

﴿وَأَقِيمُوا الصَّلَاةَ﴾

و نماز را بر پا دارید. [البقرة: 110].
برپایی نماز بگونه‌ای صورت گیرد که الله (متعال) آنرا شرع گردانیده و
رسول او (صلی الله علیه وسلم) آنرا برای ما آموخته است.
رکن سوم: پرداخت زکات.
الله (متعال) می فرماید:

﴿وَأَتُوا الزَّكَاةَ﴾

﴿وَأَتُوا الزَّكَاةَ﴾

ترجمه: و زکات را پردازید. [البقرة: 110].

الله (متعال) زکات را آزمایشی برای راستی ایمان مسلمان، و جهت ادای شکر پروردگارش به آنچه از نعمت مال بر وی ارزانی نموده است، و همکاری با فقیران و محتاجان فرض گردانیده است.

و با پرداخت زکات به مستحقان آن ادا می گردد.

و آن عبارت از حق واجب در مال است هنگامی که به یک مقدار معین برسد، به هشت گروه که الله (متعال) آنان را در قرآن کریم بیان نموده است پرداخته می شود، و از آن جمله فقیر و مسکین هست.

و با ادای آن فرد مسلمان متصف به رحمت و نرم دلی می گردد، و باعث پاکی اخلاق مسلمان و اموال او و خرسندی فقیران و مساکین و باعث تقویت محبت و برادری در میان افراد جامعه مسلمان می گردد، بنابراین مسلمان نیکوکار آن را از ته دل در حالی پرداخت می کند که با ادای آن احساس سعادت و خشنودی می نمایند، زیرا در انجام آن خشنودی مردم نهفته است.

و مقدار زکات اموال 2.5% از مال ذخیره شده مانند طلا، نقره، پول نقد، اموال تجارتي که آماده خرید و فروش جهت بدست آوردن فایده بوده باشد می باشد؛ مشروط بر اینکه قیمت آن به مقدار معینی برسد و بر آن یکسال کامل بگذرد.

همچنان زکات بر کسی فرض می گردد که تعداد معینی از چار پایانی (شتر، گاو، گوسفند) داشته باشد، که در اکثر سال از علف خودروی زمین بخورند بدون اینکه صاحب شان برای شان علف آماده بسازد.

همچنان زکات از آنچه از زمین مانند غله، میوه، معدن و گنج خارج می شود هنگامی که به مقدار معینی برسد فرض می گردد.

رکن چهارم: روزه ماه رمضان.

الله (متعال) می فرماید:

﴿يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا كُتِبَ عَلَيْكُمُ الصِّيَامُ كَمَا كُتِبَ عَلَى الَّذِينَ مِنْ قَبْلِكُمْ لَعَلَّكُمْ تَتَّقُونَ﴾

يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا كُتِبَ عَلَيْكُمُ الصِّيَامُ كَمَا كُتِبَ عَلَى الَّذِينَ مِنْ قَبْلِكُمْ لَعَلَّكُمْ تَتَّقُونَ ﴿

ترجمه:

ای کسانی که ایمان آورده‌اید، روزه بر شما واجب شده است همان‌گونه که بر کسانی که پیش از شما بودند [نیز] واجب شده بود؛ باشد که پرهیزگار شوید. [البقرة: 183].¹

رمضان: ماه نهم سال هجری است، و آن ماه بزرگ‌ست نزد مسلمانان و از بقیه ماه‌های سال از جایگاه ویژه‌ی برخوردار است، و روزه کامل آن از ارکان پنجگانه اسلام می باشد.

روزه رمضان عبارت از پرستش الله (متعال) با اجتناب از خوردن، نوشیدن، همبستری با خانم، و سایر شکننده‌های روزه از طلوع فجر تا غروب آفتاب در همه روزهای ماه مبارک رمضان می باشد. رکن پنجم: حج بیت الله الحرام.

الله (متعال) می فرماید:

﴿وَلِلَّهِ عَلَى النَّاسِ حِجُّ الْبَيْتِ مَنِ اسْتَطَاعَ إِلَيْهِ سَبِيلًا﴾

﴿وَلِلَّهِ عَلَى النَّاسِ حِجُّ الْبَيْتِ مَنِ اسْتَطَاعَ إِلَيْهِ سَبِيلًا﴾

ترجمه:

¹ رقم هذه الآية 183 و ليست 110

و بر مردم [واجب] است که برای [عبادت] الله قصد آن خانه کنند [البته برای] کسی که توانایی [مالی و جسمی] رفتن به سوی آن را دارد. [آل عمران : 97].

حج برای کسانی که توانایی ادای آن را دارند یکبار در زندگی فرض است، و آن رفتن به بیت الله الحرام و اماکن مقدس در مکه مکرمه برای انجام عبادات خاص در یک زمان معین می باشد. رسول الله (صلی الله علیه وسلم) و سایر انبیاء (علیهم السلام) قبل از وی حج نموده اند و الله (متعال) ابراهیم (علیه السلام) را امر نمود تا مردم را برای حج فرا بخواند، چنانچه الله (متعال) از آن در قرآن کریم خبر داده و فرموده است:

﴿وَأَذِّنْ فِي النَّاسِ بِالْحَجِّ يَأْتُوكَ رِجَالًا وَعَلَى كُلِّ ضَامِرٍ يَأْتِينَ مِنْ كُلِّ فَجٍّ عَمِيقٍ﴾

﴿وَأَذِّنْ فِي النَّاسِ بِالْحَجِّ يَأْتُوكَ رِجَالًا وَعَلَى كُلِّ ضَامِرٍ يَأْتِينَ مِنْ كُلِّ فَجٍّ عَمِيقٍ﴾
ترجمه:

و بین مردم برای [ادای] حج ندا بده تا پیاده و [سوار] بر هر [وسیله سفر یا] شتر لاغری، از هر راه دوری به سویت بیایند. [الحج : 27].

با ارکان ایمان آشنا می شوم

رسول الله (صلی الله علیه وسلم) درباره ایمان پرسیده شد، در پاسخ فرمودند: اینکه به الله، فرشتگان وی، کتاب های وی، پیامبران وی، روز آخرت و قدر خیر و شر آن ایمان بیاوری.

ارکان ایمان عبادت های قلبی اند که بر هر مسلمان لازم می باشد، و اسلام انسان بجز اینکه به آنها اعتقاد داشته باشد درست نمی شود، به همین دلیل آنها ارکان ایمان نامیده شده اند. و فرق بین ارکان ایمان

و ارکان اسلام در این است که ارکان اسلام اعمال ظاهری اند که انسان آنرا با اعضای بدن خود مانند تلفظ به شهادتین، نماز و زکات انجام می دهد، و ارکان ایمان اعمال قلبی اند که انسان آنرا به قلب خود مانند ایمان به الله، کتابها و پیامبران وی انجام می دهد.

مفهوم و معنای ایمان: تصدیق قاطع قلب به الله (متعال)، فرشتگان او، کتابهای او، پیامبران او، و روز آخرت، و تقدیر خیر و شر، و پیروی از هر آنچه که رسول الله (صلی الله علیه و سلم) آنرا آورده است و عمل به آن، با گفتن با زبان، مانند گفتن لا اله الا الله، و تلاوت قرآن، و تسبیح و تهلیل (لا اله الا الله) ، و ستایش الله (متعال) می باشد.

و انجام دادن آن با اعضای بدن مانند نماز، حج و روزه... و اعضای باطنی متعلق با قلب مانند دوست داشتن الله (متعال)، و ترس از او ، و توکل بر او و اخلاص به وی می باشد.

و متخصصان آنرا به طور مختصر چنین تعریف می کنند که: اعتقاد به قلب، و گفتار با زبان، عمل با اعضای بدن که با اطاعت و پیروی افزایش می یابد و با گناه و نافرمانی کاهش می یابد.

رکن اول: ایمان به الله (متعال)
الله (متعال) فرمودند:

﴿إِنَّمَا الْمُؤْمِنُونَ الَّذِينَ آمَنُوا بِاللَّهِ﴾

﴿إِنَّمَا الْمُؤْمِنُونَ الَّذِينَ آمَنُوا بِاللَّهِ﴾

ترجمه:

مؤمنان [واقعی] کسانی هستند که به الله ایمان آورده اند. [النور:

62].

ایمان به الله (متعال) مستلزم توحید و یکتا پرستی او در ربوبیت ، الوهیت ، اسماء و صفات او تعالی است، که شامل موارد ذیل می باشد:

- ایمان به وجود او (سبحانه و تعالی).
- ایمان به ربوبیت (پروردگار بودن) او، و اینکه او (تعالی) مالک، خالق، رازق و مدبر امر خود است.
- ایمان به اولوهیت او (سبحانه و تعالی) و اینکه او شایسته عبادت به یگانگی و بدون شریک ساختن با وی در هیچ چیز مانند نماز، دعا، نذر، ذبح، طلب کمک، طلب پناه و همه عبادات دیگر است.
- ایمان به نام های نیکو و صفات والای الله (متعال)، که او و پیامبرش (صلی الله علیه وسلم) برای وی ثابت ساخته اند و نفی آنچه را او تعالی در مورد خود نفی کرده است و یا پیامبر صلی الله علیه وسلم از وی از نام ها و صفات نفی کرده است می باشد. و اینکه نامها و صفات او تعالی در کمال و نیکویی به بالاترین منزلت رسیده است و اینکه مانند او تعالی چیزی نیست و او تعالی خوب شنوا و خوب بیناست.

رکن دوم: ایمان به فرشتگان
الله (متعال) می فرماید:

﴿الْحَمْدُ لِلَّهِ فَاطِرِ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ جَاعِلِ الْمَلَائِكَةِ رُسُلًا أُولِي أَجْنَحَةٍ مَّتَنَّى وَثَلَاثَ وَرُبَاعَ يَزِيدُ فِي الْخَلْقِ مَا يَشَاءُ إِنَّ اللَّهَ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ﴾
﴿الْحَمْدُ لِلَّهِ فَاطِرِ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ جَاعِلِ الْمَلَائِكَةِ رُسُلًا أُولِي أَجْنَحَةٍ مَّتَنَّى وَثَلَاثَ وَرُبَاعَ يَزِيدُ فِي الْخَلْقِ مَا يَشَاءُ إِنَّ اللَّهَ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ﴾.

ترجمه:

سپاس [و ستایش] از آن الله - آفریننده آسمان‌ها و زمین- است؛
 [پروردگاری که] فرشتگان را با بال‌های دوگانه و سه‌گانه و چهارگانه،
 فرستادگان [خویش به سوی مردم] قرار داد [و] هر چه بخواهد در
 آفرینش می‌افزاید. بی‌تردید، الله بر هر چیزی تواناست. [فاطر: 1].
 ایمان می‌آوریم به اینکه فرشتگان مخلوقات غیبی هستند، و آنان
 بندگان الله (متعال) هستند و آنها را از نور آفرید، و آنها را مطیع و
 فرمانبردار او (تعالی) گردانیده است.

و آنها خلق بزرگی هستند که فقط الله (متعال) به نیرو و تعداد آنها
 آگاهی دارد، و هر یک از آنها دارای ویژگی‌ها، نام‌ها و مسئولیت‌هایی
 هستند که الله (متعال) برای آنها مشخص نموده است، و از جمله
 آنها جبرئیل (علیه السلام) است که مکلف به وحی می‌باشد، که آنرا از
 سوی الله (متعال) بر پیامبران نازل می‌کند.

رکن سوم: ایمان به کتابها

الله (متعال) فرمودند:

﴿قُولُوا آمَنَّا بِاللَّهِ وَمَا أُنْزِلَ إِلَيْنَا وَمَا أُنْزِلَ إِلَىٰ إِبْرَاهِيمَ وَإِسْمَاعِيلَ وَإِسْحَاقَ
 وَيَعْقُوبَ وَالْأَسْبَاطِ وَمَا أُوتِيَ مُوسَىٰ وَعِيسَىٰ وَمَا أُوتِيَ النَّبِيُّونَ مِنْ رَبِّهِمْ
 لَا نُفَرِّقُ بَيْنَ أَحَدٍ مِنْهُمْ وَنَحْنُ لَهُ مُسْلِمُونَ﴾

﴿قُولُوا آمَنَّا بِاللَّهِ وَمَا أُنْزِلَ إِلَيْنَا وَمَا أُنْزِلَ إِلَىٰ إِبْرَاهِيمَ وَإِسْمَاعِيلَ
 وَإِسْحَاقَ وَيَعْقُوبَ وَالْأَسْبَاطِ وَمَا أُوتِيَ مُوسَىٰ وَعِيسَىٰ وَمَا أُوتِيَ النَّبِيُّونَ
 مِنْ رَبِّهِمْ لَا نُفَرِّقُ بَيْنَ أَحَدٍ مِنْهُمْ وَنَحْنُ لَهُ مُسْلِمُونَ﴾
 ترجمه:

[ای مؤمنان، به اهل کتاب] بگوئید: «ما به الله ایمان آورده‌ایم و
 به آنچه بر ما نازل شده است و به آنچه که بر ابراهیم و اسماعیل و
 اسحاق و یعقوب و نوادگان [یعقوب] نازل گردید و [همچنین] به آنچه
 که به موسی و عیسی داده شده است و به آنچه که به پیامبران [دیگر]

از طرف پروردگارشان داده شده است؛ [آری به همه آنان ایمان می‌آوریم] و میان هیچ یک از ایشان تفاوت نمی‌گذاریم و ما [همگی] تسلیم الله هستیم». [البقرة: 136].

اعتقاد راسخ که تمام کتاب‌های آسمانی کلام الله (متعال) هست. و آن کتابها از جانب الله (متعال) بالای پیامبرانش برای بندگان با حقیقت آشکار نازل شده است.

و الله (متعال) با فرستادن پیامبرش محمد (صلی الله علیه و سلم) برای همه مردم، و به شریعت که تمام شریعت‌های قبلی را نسخ کرده است، و قرآن کریم را بر همه کتاب‌های آسمانی مسلط و ناسخ گردانیده است. و الله (متعال) حفظ و نگهبانی قرآن کریم را از هر نوع تغییر و تحریف تضمین نموده است، الله (متعال) می‌فرماید:

﴿إِنَّا نَحْنُ نَزَّلْنَا الذِّكْرَ وَإِنَّا لَهُ لَحَافِظُونَ﴾

﴿إِنَّا نَحْنُ نَزَّلْنَا الذِّكْرَ وَإِنَّا لَهُ لَحَافِظُونَ﴾

ترجمه: به راستی که ما خود، قرآن را نازل کردیم و قطعاً خودمان نیز نگهبان آن [از هر گونه تبدیل و تحریف] هستیم. [الحجر: 9]؛ زیرا که قرآن کریم آخرین کتاب‌های الله (متعال) بسوی بشر است، و پیامبر وی محمد (صلی الله علیه و سلم) آخرین پیامبران و دین اسلام دینی است که الله (متعال) آنرا برای بشر تا برپایی قیامت برگزیده است، الله (متعال) می‌فرماید:

﴿إِنَّ الدِّينَ عِنْدَ اللَّهِ الْإِسْلَامُ﴾

﴿إِنَّ الدِّينَ عِنْدَ اللَّهِ الْإِسْلَامُ﴾

ترجمه: در حقیقت، دین [پسنديده] نزد الله همان اسلام است. [ال عمران: 19].

و کتاب های آسمانی بی که الله (متعال) آنرا در کتاب خود ذکر نموده است عبارت اند از:

قرآن کریم: الله (متعال) آنرا بر پیامبرش محمد (صلی الله علیه وسلم) نازل نموده است.

تورات: الله (متعال) آنرا بر پیامبرش موسی (علیه السلام) نازل نموده است.

انجیل: الله (متعال) آنرا بر پیامبرش عیسی (علیه السلام) نازل نموده است.

زبور: الله (متعال) آنرا بر پیامبرش داوود (علیه السلام) نازل نموده است.

صحیفه های ابراهیم: الله (متعال) آنرا بر پیامبرش ابراهیم (علیه السلام) نازل نموده است.

رکن چهارم: ایمان به پیامبران

الله (متعال) می فرماید:

﴿وَلَقَدْ بَعَثْنَا فِي كُلِّ أُمَّةٍ رَسُولًا أَنِ اعْبُدُوا اللَّهَ وَاجْتَنِبُوا الطَّاغُوتَ﴾

﴿وَلَقَدْ بَعَثْنَا فِي كُلِّ أُمَّةٍ رَسُولًا أَنِ اعْبُدُوا اللَّهَ وَاجْتَنِبُوا الطَّاغُوتَ﴾

ترجمه: یقیناً ما در هر امتی، پیامبری را [با این پیام] برانگیختیم که: «الله یکتا را عبادت کنید و از طاغوت [= معبودان غیر الله] دوری کنید». [النحل: 36].

تصدیق راسخ بر این که الله (متعال) در هر امتی پیامبری فرستاده است که آنها را بسوی عبادت الله یکتا دعوت نمایند، ذاتی که او را شریکی نیست، و کفر ورزیدن به هر آنچه که غیر از او تعالی پرستش می گردد.

واین حقیقت است که همه پیامبران بشر، مردان و بندگان الله (متعال)، راستگویان، تصدیق شونده‌گان، پرهیزکاران، امینان، راهنمایان و هدایت شده گان هستند، الله (متعال) آنان را با معجزه هایی که دلالت بر صدق و راستی شان می کند حمایت نموده است، و اینکه آنان همه آنچه را که الله (متعال) آنان را به تبلیغ آن مکلف نموده، ابلاغ نموده اند، و اینکه همه آنان بر حق آشکار و هدایت روشن بودند.

و دعوت همه آنان از اول تا آخر در اصل دین که همانا توحید الله (عزوجل) در عبادت و عدم شریک ساختن با وی است یکسان می باشد.

رکن پنجم: ایمان به روز آخرت

الله (متعال) می فرماید:

﴿اللَّهُ لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ لَيَجْمَعَنَّكُمْ إِلَى يَوْمِ الْقِيَامَةِ لَا رَيْبَ فِيهِ وَمَنْ أَصْدَقُ مِنَ اللَّهِ حَدِيثًا﴾

﴿اللَّهُ لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ لَيَجْمَعَنَّكُمْ إِلَى يَوْمِ الْقِيَامَةِ لَا رَيْبَ فِيهِ وَمَنْ أَصْدَقُ مِنَ اللَّهِ حَدِيثًا﴾

ترجمه: الله [که معبودِ راستین است و] هیچ معبودی [به حق] جز او نیست، یقیناً همگی شما را روز قیامت . که تردیدی در [وقوع] آن نیست . جمع می کند؛ و کیست که از الله راستگوتر باشد؟ [النساء: 87].

تصدیق راسخ به هر آنچه که به روز آخرت تعلق می گیرد، که پروردگار ما (عزوجل) در کتاب کریم خود از آن به ما خبر داده است و یا پیامبر ما محمد - صلی الله علیه وسلم - به ما گفته است، مانند مرگ انسان ، دوباره زنده شدن ، بیرون آمدن از قبرها ، شفاعت ،

میزان ، حساب ، بهشت، جهنم ، و سایر اموری که به آخرت تعلق می گیرد.

رکن ششم: ایمان به تقدیر خیر و شر
الله (متعال) می فرماید:

﴿إِنَّا كُلَّ شَيْءٍ خَلَقْنَاهُ بِقَدَرٍ﴾

﴿إِنَّا كُلَّ شَيْءٍ خَلَقْنَاهُ بِقَدَرٍ﴾

ترجمه: بی تردید، ما هر چیزی را به اندازه آفریده ایم. [القمر: 49].
اعتقاد به اینکه هر آنچه که بر مخلوقات از حوادث در این جهان اتفاق می افتد، با علم و تقدیر و تدبیر الله (سبحانه و تعالی) که یگانه است و او را شریکی نیست می باشد. و این مقدرات قبل از پیدایش انسان نوشته شده است، و اینکه انسان دارای اراده و خواست است، و اینکه او انجام دهنده اعمال خود بر اساس حقیقت است، مگر این همه از علم، اراده و خواست الله (متعال) خارج نمی شود.
پس ایمان بر قدر به چهار مرتبه ذیل بنا شده:
اول: ایمان بر علم الله (متعال) که شامل و در برگیرنده هر چیز است.

دوم: ایمان بر اینکه الله (متعال) هر آنچه را که تا روز قیامت رخ می دهد نوشته است.

سوم: ایمان بر اراده نافذ و قدرت مکمل الله (متعال)، پس هر آنچه را اراده نماید می شود و آنچه را که اراده ننماید نمی شود.

چهارم: ایمان بر اینکه الله (متعال) پیداکننده هر چیز است، او را در خلشش شریکی نیست.

وضوء را می آموزم

الله (متعال) می فرماید:

﴿إِنَّ اللَّهَ يُحِبُّ التَّوَّابِينَ وَيُحِبُّ الْمُتَطَهِّرِينَ﴾

﴿إِنَّ اللَّهَ يُحِبُّ التَّوَّابِينَ وَيُحِبُّ الْمُتَطَهِّرِينَ﴾

ترجمه: به راستی که الله توبه‌کنندگان را دوست دارد و پاکیزگان را
[نیز] دوست دارد. [البقرة: 222].¹

رسول الله (صلی الله علیه وسلم) فرمودند: "من تَوَضَّأَ نَحْوَ
وُضُوئِي هَذَا، ثُمَّ صَلَّى رَكْعَتَيْنِ لَا يُحَدِّثُ فِيهِمَا نَفْسَهُ، غَفَرَ اللَّهُ لَهُ مَا
تَقَدَّمَ مِنْ ذَنْبِهِ"

رسول الله صلی الله علیه وسلم: "هر کسی مانند این وضوی من
وضو گرفت، سپس دو رکعت نماز خواند و در آنها با خود سخن
نگفت، گناهان گذشته اش بخشوده خواهند شد".

از اهمیت زیاد نماز اینست که الله (متعال) طهارت و پاکی را قبل
از آن مشروع گردانیده است، و آن را شرط صحت آن قرار داده است،
و آن کلید نماز است، و دانستن فضیلت آن قلب را مشتاق به ادای
نماز می گرداند، رسول الله (صلی الله علیه وسلم) فرمودند: (الطهور
شطر الإيمان.. والصلاة نور).

ترجمه: طهارت جز ایمان است، و نماز روشنایی است.

و رسول الله (صلی الله علیه وسلم) فرمودند: (من تَوَضَّأَ فَأَحْسَنَ
الْوُضْوءِ خَرَجَ خطاياهُ من جسده).

ترجمه: کسی که بگونه‌ء درست وضوء نماید، گناهان وی از بدنش
خارج می گردد.

¹ رقم الآية 222 و لیست 22

پس بنده با طهارت حسی با گرفتن وضو و معنویت ادای این عبادت با اخلاص برای الله (متعال)، به پیروی از راهنمایی پیامبر - صلی الله علیه وسلم - به حضور پروردگار خود می ایستد.

آنچه که وضو برایش واجب می شود:

1- مطلق نماز، اگر فرض باشد یا نفل.

2- طواف کعبه.

3- دست زدن به قرآن کریم.

با آب پاک وضو و غسل می کنم.

آب پاک کننده: هر آن آبی است که از آسمان پائین آمده باشد و یا از زمین بیرون آمده باشد و بر اصل خلقتش باقی مانده باشد، و یکی از اوصاف سه گانه آن به چیزی که پاکی آب را از بین میبرد تغییر نکرده باشد، و آنها عبارت اند از: رنگ، مزه و بوی.

وضوء را می آموزم

قدم اول: نیت و جای آن قلب است، و معنای نیت اینست که کسی در قلب خویش بر انجام عبادت بخاطر تقرب بسوی الله (متعال) قصد کند.

قدم دوم: شستن دستان (تا بند آن).

قدم سوم: مضمضه یا شستن دهن.

مضمضه اینست که آب در دهن انداخته شود و آنرا در داخل دهن حرکت دهد، سپس آنرا از دهن بیرون کند.

قدم چهارم: استنشاق یا شستن بینی.

استنشاق: کشیدن آب تا نهایت بینی با نفس عمیق.

استنثار: بیرون کردن آنچه از کثافت و غیره در بینی می باشد توسط نفس.

قدم پنجم: شستن رو.

اندازه رو:

رو آنست که توسط آن مواجعت (رویاری) صورت می گیرد.
و اندازه آن از نگاه عرض : از یک گوش تا گوش دیگر.
و اندازه آن از نگاه طول : از جای بر آمدن معتاد موی سر تا آخر
چانه است.

موی خفیف موجود بر روی شامل شستن می گردد، و همچنان
سفیدی میان روی و گوش و (عذار) بر آمدگی گوش در مقابل سوراخ
گوش نیز شامل شستن می گردند.

بیاض و یا سفیدی : بین بر آمدگی مقابل سوراخ گوش و نرمی گوش
است.

و عذار: مویی که بر برآمدگی مقابل سوراخ گوش بسوی سر و آنچه
بسوی بیرون گوش مایل شده است را می گویند.

و همچنان شستن رو شامل ریش انبوه و آنچه از آن دراز شده
است می باشد.

قدم ششم: شستن دست ها ابتداء از سر انگشتان دست تا به آرنج
ها.

و آرنج ها در فرض بودن شستن دست ها شامل است.
قدم هفتم: یکبار مسح همه سر با دو دست همراه با گوشها.
از پیشروی سر آغاز می کند و آنرا بسوی پشت سر خود می برد و
سپس بر می گرداند.

و انگشتان شهادت خود را داخل گوش های خود می کند.
و انگشتان بزرگ (شصت) دست خود را بر بیرون گوش خود می
گرداند و به این شکل درون و بیرون گوش را مسح می کند.

قدم هشتم: شستن پاها از سر انگشتان پاه تا بجلک ها (قوزکها)
، و بجلک ها (قوزکها) در فرض شستن پاها داخل می باشد.

بجلک ها، دو استخوان های بیرون بر آمده در پایان ساق پا است.
وضوء با این موارد باطل می گردد:
1- هر آنچه از سبیلین خارج می شود، مانند ادرار، غائط، باد، منی و مزی.

زوال عقل توسط خواب عمیق، یا بی هوشی، یا نشه شدن و یا دیوانگی.

3- هر آنچه باعث وجوب غسل می گردد مانند جنابت، حیض و نفاس.

اگر انسان حاجت خود را برطرف کرد ، باید ناپاکی را با آب پاک کننده (و این بهتر است) و یا بدون آب پاک کننده که با آن ناپاکی از بین می رود مانند سنگ، برگ، پارچه و همانند آن، مشروط به اینکه انجام این کار سه بار و یا بیشتر از آن با چیزی پاک کننده و مباح دور کند.

مسح بر موزه ها و جراب ها

در صورت پوشیدن موزه ها و یا جراب ها می شود که بر آنها بدون اینکه نیازی برای شستن پاها باشد مسح شود ، البته به شروط ذیل باید مسح کرد:

- 1- پوشیدن آنها بعد از طهارت کامل از ناپاکی های خورد و بزرگ که در آن ها پاها شسته شده اند صورت گرفته باشد.
 - 2- موزه ها و جراب ها باید از نجاست پاک باشند.
 - 3- مسح در مدت محدود آن صورت گرفته باشد.
 - 4- باید حلال باشد، دزدی و یا غصب شده نباشند.
- موزه ها عبارتند از: آنچه از پوست نازک و مانند آن در پا پوشیده می شود و مانند آن پاپوش هایی که قدم های انسان را می پوشانند.
جراب ها عبارت اند از: پارچه و مانند آن که انسان در پا می کند.

حکمت مشروعیت مسح بر موزه ها
حکمت مسح بر موزه ها آسانی و تخفیف بر مسلمانانی است که کشیدن موزه و یا جراب و شستن پاها بخصوص در فصل زمستان و سرمای شدید و هنگام مسافرت بر آنها دشوار می باشد.
مدت زمان مسح:

برای مقیم: یک شبانه روز (24 ساعت)
برای مسافر: سه شبانه روز (72 ساعت).
حساب نمودن وقت مسح از اولین مسح بر موزه ها و یا جراب ها بعد از بی وضویی آغاز می گردد.

چگونگی مسح بر موزه ها و جراب ها:
1- دست ها باید تر - خیس - شود.
2- کشیدن دست بر سر پا (از سوی انگشتان پا بسوی ساق پا).
3- پای راست با دست راست و پای چپ با دست چپ مسح می گردد.

نواقض (شکنندهای) های مسح:
1- موجبات غسل (هر آنچه موجب غسل می شود).
2- به پایان رسیدن مدت زمان مسح.

غسل

اگر مرد یا زنی رابطه جنسی برقرار کردند، و یا منی در هنگام بیداری یا خواب با شهوت از آنها بیرون شود، بر آنها غسل واجب می گردد تا بتوانند نماز خود را ادا نمایند و یا عبادتی را انجام دهند که برای آن طهارت لازم است. همین گونه اگر زنی از عادت ماهوار (حیض) یا نفاس پاک گردد بر وی غسل لازم می گردد تا بتواند نماز بخواند و یا عبادتی را انجام دهد که برای آن طهارت لازم است.
و چگونگی غسل بشکل ذیل است:

شخص مسلمان آب را به تمام بدن خود به هر نحوی که باشد برساند و بریزاند، که از آن جمله مضمضه و استنشاق است، و اگر آب به تمام بدن وی رسید ناپاکی بزرگ از وی رفع شده، و طهارت او کامل می گردد.

شخص جنب تا اینکه غسل نکند نمی تواند امور ذیل را انجام دهد:

- 1- نماز.
- 2- طواف خانه کعبه.
- 3- ماندن در مسجد، و عبور از مسجد بدون ماندن جواز دارد.
- 4- دست زدن به قرآن کریم.
- 5- تلاوت قرآن کریم.

تیمم

اگر شخص مسلمان آب را دریافت ننمود که با آن طهارت کند، و یا به علت بیماری و غیره نتوانست آب را استعمال کند، و یا ترس آن را داشت که وقت نماز از وی فوت میشود میتواند با خاک (پاک) تیمم نماید.

و چگونگی انجام تیمم این است که یک بار با دستان خود به خاک ضربه بزند، سپس صورت و دست تان خود را فقط یک بار مسح کند. مشروط بر این که خاک باید پاک باشد. تیمم به موارد ذیل باطل میگردد:

- 1- آنچه وضو را باطل میسازد تیمم را نیز باطل میسازد.
- اگر آب دریافت شد و یا قادر به استفاده از آب باشد قبل از اینکه به عبادتی که برای آن تیمم نموده است آغاز کند.

نماز را می آموزم

الله متعال بر مسلمان در هر شبانه روز پنج نماز را واجب کرده است که آنها: صبح، ظهر، عصر، مغرب، خفتن است. تعداد رکعت های نماز صبح: چهار رکعت است، نماز ظهر: چهار رکعت، نماز عصر: چهار رکعت، نماز مغرب: سه رکعت، و نماز خفتن: چهار رکعت است.

برای نماز آماده می شوم
هرگاه وقت نماز داخل شد، مسلمان از ناپاکی خورد و بزرگ خود را پاک می کند، اگر ناپاکی بزرگ داشته باشد.
ناپاکی بزرگ: آنچه که بر مسلمان غسل را واجب می گرداند.
ناپاکی کوچک: آنچه که بالای مسلمان وضو را فرض می گرداند.
مسلمان با لباس های پاک و در مکان پاک و دور از نجاست ها و بعد از پوشانیدن عورت خود نماز می گزارد.
مسلمان هنگام نماز به لباس های شایسته خود را آراسته ساخته و بدن خود را به آن می پوشاند، و برای مرد جایز نیست که هنگام نماز جایی در میان ناف و زانو اش ظاهر شود.
بر زن فرض است که تمامی بدن خود را بپوشانند بجز رو و دو کف دست اش.

مسلمان در نماز حرف نمی زند بجز اقوال ویژه نماز، و به امام گوش می دهد، و در نماز خود بی توجهی نمی کند، و اگر نتوانست اقوال ویژه نماز را حفظ کند پس او ذکر و تسبیح الله (متعال) را بجا می آورد تا اینکه از نماز فارغ شود، و بر وی یاد گرفتن نماز و اقوال آن لازم می باشد.

نماز را می آموزم

قدم اول: نیت نماز فرضی که عزم ادای آن را دارم و محل نیت قلب است.

بعد از وضو کردن، بسوی قبله ایستاده می شوم، و اگر به ایستادن قادر بودم ایستاده نماز می خوانم.

قدم دوم: دستان را برابر شانه های خود بلند نموده و نیت نموده داخل نماز میشوم و می گویم (الله اکبر) .

قدم سوم: دعای آغاز نماز را چنانچه وارد شده است می خوانم، و از جمله این دعا است: (سُبْحَانَكَ اللَّهُمَّ وَبِحَمْدِكَ، وَتَبَارَكَ اسْمُكَ وَتَعَالَى جَدُّكَ، وَلَا إِلَهَ غَيْرُكَ).

بار الها! ما تو را مزه می دانیم، و تو را حمد و سپاس می گوئیم، و نام تو را برتر می دانیم و هیچ معبود بر حقی غیر از تو وجود ندارد.

قدم چهارم: از شیطان رانده شده به الله (متعال) پناه برده و می گویم: (أَعُوذُ بِاللَّهِ مِنَ الشَّيْطَانِ الرَّجِيمِ).

پناه میبرم به الله از شر شیطان ملعون و نفرین شده.

قدم پنجم: سوره فاتحه را در هر رکعت می خوانم و آن عبارت است از:

﴿بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ (1) الْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ (2) الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ (3) مَالِكِ يَوْمِ الدِّينِ (4) إِيَّاكَ نَعْبُدُ وَإِيَّاكَ نَسْتَعِينُ (5) اهْدِنَا الصِّرَاطَ الْمُسْتَقِيمَ (6) صِرَاطَ الَّذِينَ أَنْعَمْتَ عَلَيْهِمْ غَيْرِ الْمَغْضُوبِ عَلَيْهِمْ وَلَا الضَّالِّينَ (7)﴾.

﴿بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ (1)

بنام خداوند بخشنده مهربان .

الْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ (2)

تمام ستایش ها [و سپاس ها] از آن الله . پروردگار جهانیان . است.

الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ (3)

بخشندۀ مهربان است

مَالِكِ يَوْمِ الدِّينِ (4)

مالک روز جزاست.

إِيَّاكَ نَعْبُدُ وَإِيَّاكَ نَسْتَعِينُ (5)

[پروردگارا] تنها تو را عبادت می‌کنیم و تنها از تو یاری [و مدد]

می‌جوئیم.

اهْدِنَا الصِّرَاطَ الْمُسْتَقِيمَ (6)

ما را به راه راست هدایت فرما [و همواره در این راه، ثابت‌قدم

بدار].

صِرَاطَ الَّذِينَ أَنْعَمْتَ عَلَيْهِمْ غَيْرِ الْمَغْضُوبِ عَلَيْهِمْ وَلَا
الضَّالِّينَ (7) ﴿﴾

راه کسانی [همچون پیامبران، شهیدان، راستگويان و نیکوکاران] که

به آنان نعمت داده‌ای، نه [راه] کسانی که بر آنان خشم گرفته شده

است [= یهود] و نه [راه] گمراهان [= نصاری].

بعد از خواندن فاتحه آنچه از قرآن کریم میسر گردید تنها در رکعت

اول و دوم هر نماز می‌خوانم، و این فرض نیست مگر در خواندن آن

اجر بزرگی است.

قدم ششم : (الله اکبر) می‌گویم سپس رکوع می‌روم تا آنکه کمرم

راست شود و دستانم در حالیکه انگشتانم گشاده است بر زانویم

می‌گزارم، سپس در رکوع (سبحان ربی العظیم) - پاک است پروردگار

بزرگ من- می‌گویم.

قدم هفتم: از رکوع با گفتن (سمع الله لمن حمده) - الله شنید

ستایش کسیکه او را ستایش نماید، بلند می‌شوم و دستانم را برابر با

شانه‌هایم بالا می‌کنم، و وقتی بدنم در حال ایستاده آرام گرفت (ربنا

ولک الحمد) - ای پروردگار ما! ستایش حقیقی ویژه تو است- می گویم.

قدم هشتم: (الله اکبر) می گویم و بر دو دست، وزانوها، وپاها، وپیشانی و بینی سجده می کنم و در سجده خود (سبحان ربی الاعلی) - پاک است پروردگار بزرگ من- می گویم.

قدم نهم: (الله اکبر) می گویم و از سجده بلند می شوم تا کمرم در حال نشسته بر پای چپ و ایستادن پای راستم مستقیم شود و (ربی اغفر لی) می گویم.

قدم دهم: (الله اکبر) می گویم و مانند سجدهء اول دوباره سجده می کنم.

قدم یازدهم: از سجده با گفتن (الله اکبر) بالا می شوم تا اینکه راست ایستاده شوم، و در رکعات باقیمانده نماز آنچه در رکعت اول انجام دادم انجام می دهم.

بعد از رکعت دوم در نماز ظهر، عصر، مغرب و خفتن برای خواندن تشهد اول می نشینم و آن عبارت است از: (التحیات لله والصلوات والطیبات، السلام علیک ایها النبی ورحمة الله وبرکاته، السلام علینا وعلى عباد الله الصالحین، أشهد أن لا إله إلا الله، وأشهد أن محمداً عبده ورسوله).

(تمام تعظیم ها و نمازها و سایر پاکیهها فقط از آن الله است، سلام و رحمت و برکات الله بر تو باد ای پیامبر، و سلام بر ما باد و بر بندگان نیکوکار الله، گواهی می دهم که جز الله معبودی بر حق نیست، و گواهی می دهم که محمد رسول و فرستاده اوست). بعد از آن برای رکعت سوم بلند می شوم.

بعد از رکعت اخیر هر نماز برای خواندن تشهد آخر می نشینم و آن عبارت است از: (التحیات لله والصلوات والطیبات، السلام علیک

ایها النبی ورحمة الله وبرکاته، السلام علينا وعلى عباد الله الصالحین،
 أشهد أن لا إله إلا الله، وأشهد أن محمدًا عبده ورسوله، اللهم صلّ على
 محمد وعلى آل محمد، كما صليت على إبراهيم وعلى آل إبراهيم، إنك
 حميد مجيد. اللهم بارک على محمد وعلى آل محمد، كما بارکت على
 إبراهيم وعلى آل إبراهيم، إنك حميد مجيد).

(تمام تعظیم ها و نمازها و سایر پاکيها فقط از آن الله است، سلام
 و رحمت و برکات الله بر تو باد ای پیامبر، و سلام بر ما باد و بر بندگان
 نیکوکار الله، گواهی می دهم که جز الله بر حق معبودی نیست، و
 گواهی می دهم که محمد رسول و فرستاده اوست، بار الها! درود و
 رحمت نازل فرما بر محمد و آل محمد، چنانکه بر إبراهيم و آل إبراهيم
 رحمت فرستادی، تو ستایش شده و بزرگواری هستی). (پروردگارا! برکت
 نازل فرما بر محمد و آل محمد، چنانکه بر إبراهيم و آل إبراهيم برکت
 نازل فرمودی، تو ستایش شده و بزرگواری).

قدم دوازدهم: بعد از آن به نیت خارج شدن از نماز بسوی راستم
 سلام می دهم و می گویم: (السلام علیکم ورحمة الله) و بسوی چپم
 سلام می دهم و می گویم: (السلام علیکم ورحمة الله)، و به این ترتیب
 نماز خود را ادا کرده ام.

حجاب زن مسلمان

الله (متعال) می فرماید:

﴿يَا أَيُّهَا النَّبِيُّ قُلْ لِّأَزْوَاجِكَ وَبَنَاتِكَ وَنِسَاءِ الْمُؤْمِنِينَ يُدْنِينَ عَلَيْهِنَّ مِنْ
 جَلَابِيبِهِنَّ ذَلِكَ أَدْنَى أَنْ يُعْرَفْنَ فَلَا يُؤْذَيْنَ وَكَانَ اللَّهُ غَفُورًا رَحِيمًا﴾

﴿يَا أَيُّهَا النَّبِيُّ قُلْ لِّأَزْوَاجِكَ وَبَنَاتِكَ وَنِسَاءِ الْمُؤْمِنِينَ يُدْنِينَ عَلَيْهِنَّ
 مِنْ جَلَابِيبِهِنَّ ذَلِكَ أَدْنَى أَنْ يُعْرَفْنَ فَلَا يُؤْذَيْنَ وَكَانَ اللَّهُ غَفُورًا رَحِيمًا﴾
 ترجمه:

ای پیامبر، به همسران و دختران و سایر زنان مؤمن بگو که چادرهایشان را به شایستگی بر [سر و صورت و سینه] خویش بپوشانند. این [گونه پوشش] مناسب‌تر است به اینکه [در جامعه به متانت و وقار] شناخته شوند و [در نتیجه] مورد آزار [افراد هرزه] قرار نگیرند؛ و الله آمرزندهٔ مهربان است. [الأحزاب: 59].

الله (متعال) بر زن مسلمان حجاب، ستر عورت و پوشانیدن تمام بدن او را از مردهای بیگانه با لباس مروج در کشورش واجب گردانیده است، و برداشتن حجاب برای او بجز در مقابل شوهرش و یا کسانی که برای وی محرم هستند جایز نیست، و آنها (محارم) عبارتند از: کسانی که برای زن مسلمان ازدواج برای ابد با آنها جایز نیست، و آنها عبارتند از: (پدر و هر آنکه بالاتر از وی باشد، پسر و هر آنکه از وی پایین باشد، عموها (کاکاهان)، ماماها، برادر، پسر برادر، پسر خواهر، شوهر مادر اگر با او ازدواج کرده باشد، پدر شوهر و هر آنکه بالاتر از وی باشد، پسر شوهر و هر آنکه از وی پایین باشد، شوهر دختر، و آنچه را که نسب حرام می‌نماید از لحاظ رضاعت نیز حرام می‌باشد) زن مسلمان در لباس خود شماری از ضوابط را باید مراعات کند: اول: باید تمام بدن را بپوشاند.

دوم: آنچه را که زن برای زینت می‌پوشد نباید بپوشد.

سوم: نباید شفاف باشد که بدن وی از آن نمایان گردد.

چهارم: باید گشاده باشد، و تنگ نباشد که جسمش را وصف کند. پنجم: خوشبو نباشد.

ششم: مشابه با لباس مردان نباشد.

هفتم: مشابهت با لباس زنان غیر مسلمان نباشد که برای عبادت

ها و عیدهایشان میپوشند.

از ویژه گی های مومن

الله (متعال) می فرماید:

﴿إِنَّمَا الْمُؤْمِنُونَ الَّذِينَ إِذَا ذُكِرَ اللَّهُ وَجِلَتْ قُلُوبُهُمْ وَإِذَا تُلِيَتْ عَلَيْهِمْ آيَاتُهُ زَادَتْهُمْ إِيمَانًا وَعَلَىٰ رَبِّهِمْ يَتَوَكَّلُونَ﴾

﴿إِنَّمَا الْمُؤْمِنُونَ الَّذِينَ إِذَا ذُكِرَ اللَّهُ وَجِلَتْ قُلُوبُهُمْ وَإِذَا تُلِيَتْ عَلَيْهِمْ آيَاتُهُ زَادَتْهُمْ إِيمَانًا وَعَلَىٰ رَبِّهِمْ يَتَوَكَّلُونَ﴾
ترجمه:

بی تردید، مؤمنان فقط کسانی هستند که وقتی الله یاد می شود، دل هایشان هراسان می گردد و هرگاه آیاتش بر آنان خوانده می شود، بر ایمانشان می افزاید و بر پروردگارشان توکل می کنند. [الأنفال: 2]

- در سخن خود راستگو بوده و دروغ نمی گوید.
- به پیمان و وعده وفا می کند.
- هنگام خصومت دشنام نمی دهد.
- امانت را ادا می کند.
- آنچه را برای خود می پسندد برای برادر مسلمان خود نیز می پسندد.

- سخاوتمند می باشد.
- به مردم نیکی می کند.
- صله رحمی را بجا می آرد.
- به قضا و قدر الله (متعال) راضی می باشد و در حال آسایش شکر او (تعالی) را ادا کرده و در حال مصیبت صبر و شکیبایی می نماید.
- آراسته به صفت حیا می باشد.
- بر مخلوق رحم می کند.
- دل او از کینه و اعضای بدنش از تجاوز بر دیگران سالم می باشد.
- مردم را می بخشد.
- سود نمی خورد و به آن تعامل نمی کند.

- زنا نمی کند.
- شراب نمی نوشد.
- با همسایه های خود نیکی می کند.
- ستم و خیانت نمی کند.
- دزدی نمی کند و فریب نمی دهد.
- با والدین خود اگر غیر مسلمان هم باشند نیک رفتار بوده و در نیکویی از آنها اطاعت می کند.
- فرزندان خود را با فضیلت تربیت می کند، آنها را به فرایض شرعی امر می کند و از بدی و چیزهای حرام منع می کند.
- همانند اعمال غیر مسلمانان در آنچه ویژه ی دین و یا عادات آنها می باشد که خصوصیت و یا شعار آنان گردیده است انجام نمی دهد.

خشنودی من در دین اسلام است

الله (متعال) می فرماید:

﴿مَنْ عَمِلَ صَالِحًا مِنْ ذَكَرٍ أَوْ أَنْتَى وَهُوَ مُؤْمِنٌ فَلَنُحْيِيَنَّهٗ حَيَاةً طَيِّبَةً وَلَنَجْزِيَنَّهُمْ أَجْرَهُمْ بِأَحْسَنِ مَا كَانُوا يَعْمَلُونَ﴾

﴿مَنْ عَمِلَ صَالِحًا مِنْ ذَكَرٍ أَوْ أَنْتَى وَهُوَ مُؤْمِنٌ فَلَنُحْيِيَنَّهٗ حَيَاةً طَيِّبَةً وَلَنَجْزِيَنَّهُمْ أَجْرَهُمْ بِأَحْسَنِ مَا كَانُوا يَعْمَلُونَ﴾
ترجمه:

هر کس . مرد یا زن . که کار نیک کند و مؤمن باشد، قطعاً او را [در دنیا] به زندگانی پاک و پسندیده‌ای زنده می‌داریم و [در آخرت نیز] بر اساس نیکوترین [طاعت و] کاری که می‌کردند، به آنان پاداش می‌دهیم. [النحل: 97].

یکی از بزرگترین چیزهایی که خشنودی، فراخی و سعادت را در قلب مسلمان وارد می کند، ارتباط مستقیم او با پروردگارش می باشد، بدون اینکه زنده ها، مرده ها و بت ها را واسطه قرار دهند. الله (متعال) در قرآن کریم فرموده که او همیشه نزدیک بندگانش می باشد، صدای آنها را می شنود و دعاها را می پذیرد، چنانچه او (تعالی) می فرماید:

﴿وَإِذَا سَأَلَكَ عِبَادِي عَنِّي فَإِنِّي قَرِيبٌ أُجِيبُ دَعْوَةَ الدَّاعِ إِذَا دَعَانِ فَلْيَسْتَجِيبُوا لِي وَلْيُؤْمِنُوا بِي لَعَلَّهُمْ يَرْشُدُونَ﴾

﴿وَإِذَا سَأَلَكَ عِبَادِي عَنِّي فَإِنِّي قَرِيبٌ أُجِيبُ دَعْوَةَ الدَّاعِ إِذَا دَعَانِ فَلْيَسْتَجِيبُوا لِي وَلْيُؤْمِنُوا بِي لَعَلَّهُمْ يَرْشُدُونَ﴾
ترجمه:

و [ای پیامبر]، هرگاه بندگانم درباره من از تو بپرسند، [به آنان بگو] من نزدیکم و دعای دعاکننده را. هنگامی که مرا بخواند. اجابت می کنم؛ پس [آنان فقط] باید دعوت مرا بپذیرند و به من ایمان بیاورند؛ باشد که راه یابند. [البقرة: 186]، و الله (سبحانه و تعالی) ما را امر کرده است تا او را به دعا بخوانیم، و این موضوع یکی از بزرگترین عباداتی است که به وسیله آن مسلمان به پروردگارش نزدیک می شود، چنانچه الله (متعال) می فرماید:

﴿وَقَالَ رَبُّكُمْ ادْعُونِي أَسْتَجِبْ لَكُمْ﴾

﴿وَقَالَ رَبُّكُمْ ادْعُونِي أَسْتَجِبْ لَكُمْ﴾

ترجمه:

پروردگارتان فرمود: «مرا به دعا بخوانید، تا [دعای] شما را اجابت کنم. [غافر: 60] پس مسلمان صالح همیشه به پروردگار خود محتاج

است، همیشه در برابر او دعا می کند و همیشه با عبادات نیک بسوی او تقرب می جوید.

الله (متعال) ما را در این جهان برای حکمت بزرگی آفریده و ما را بی هوده نیافریده است؛ و آن تنها عبادت او است بدون همتا با او، و او برای ما دین جامع را وضع کرد که همه امور زندگی خصوصی و عمومی ما را سازماندهی و تنظیم می کند، و با این شریعت عادلانه ضروریات زندگی را که دین، زندگی، عزت، عقل ها و مال های مان می باشد حفظ کرده است. و هرکسی که مطابق این اوامر شرعی زندگی نماید و از امور حرام پرهیز کند، در واقع این امور و ضرورت ها را حفظ کرده است و بدون شک زندگی خوشبخت و مطمئن را سپری نموده است.

و پیوند مسلمان با پروردگارش عمیق است، که باعث آرامش و راحت روانی، احساس به سکون، امن، خوشبختی و احساس همراه بودن پروردگار عزوجل، عنایت و ولایت او برای بنده مومن می باشد. الله (متعال) می فرماید:

﴿اللَّهُ وَلِيُّ الَّذِينَ آمَنُوا يُخْرِجُهُم مِّنَ الظُّلُمَاتِ إِلَى النُّورِ﴾

﴿اللَّهُ وَلِيُّ الَّذِينَ آمَنُوا يُخْرِجُهُم مِّنَ الظُّلُمَاتِ إِلَى النُّورِ﴾

ترجمه:

الله یاور [و کارساز] کسانی است که ایمان آورده اند؛ آنان را از تاریکی ها به سوی نور بیرون می برد. [البقرة: 257].

این پیوند بزرگ حالت عاطفی پی است که انسان را به لذت بردن از عبادت الله (متعال) و اشتیاق بسوی ملاقات با او جلب می کند و او با قلب خود در آسمان خوشبختی ها و با احساس شیرینی ایمان پرواز می کند.

شیرینی که لذت آن را فقط کسی می تواند توصیف کند که آن را با انجام طاعات و اجتناب از گناهان چشیده است. به همین دلیل رسول الله (صلی الله علیه وسلم) می فرماید: (ذاق طعم الإیمان من رضی بالله رباً وبالإسلام دیناً وبمحمد رسولاً).

ترجمه: آنکه به پروردگاری الله و به دین اسلام و پیامبری محمد (صلی الله علیه وسلم) راضی گردید لذت ایمان را چشید.

آری! هرگاه شخصی حضور دائمی خود را در پیشروی خالق خود احساس کند، و او را با نامها و صفات زیبایش بشناسد، او را طوری عبادت کند گویا او را می بیند، و در عبادت خود با الله (متعال) صادق باشد، و به آن بجز خشنودی الله (متعال) را نخواهد، او در دنیا زندگی خوب و پر سعادت و در آخرت عاقبت نیکی خواهد داشت.

حتی مصیبت هایی که در دنیا بر مومن واقع می شود، مشکلات آن با آسانی های یقین، و رضایت به مقدرات الهی، و ستایش او بر تمام تقدیرات خیر و شر و رضایت کامل از آن از بین می رود.

از جمله مواردی که مسلمان برای افزایش سعادت و آرامش باید به آن توجه داشته باشد، ذکر زیاد الله (متعال) و تلاوت قرآن کریم است، چنانکه الله (متعال) می فرماید:

﴿الَّذِينَ آمَنُوا وَتَطْمَئِنُّ قُلُوبُهُمْ بِذِكْرِ اللَّهِ أَلَا بِذِكْرِ اللَّهِ تَطْمَئِنُّ الْقُلُوبُ﴾
﴿الَّذِينَ آمَنُوا وَتَطْمَئِنُّ قُلُوبُهُمْ بِذِكْرِ اللَّهِ أَلَا بِذِكْرِ اللَّهِ تَطْمَئِنُّ الْقُلُوبُ﴾

ترجمه:

[همان] کسانی که ایمان آورده اند و دل هایشان به یاد الله آرام می گیرد. آگاه باشید که تنها با یاد الله دل ها آرام می گیرد. [الرعد: 28].
و به هر اندازه که مسلمان بیشتر ذکر الله (تعالی) و تلاوت قرآن کریم

را بجا می آورد، ارتباط او با الله (متعال) افزایش می یابد و نفس او پاک شده و ایمان او قوی می شود.

همچنان بر مسلمان لازم است تا بر آموختن امور دین خود از منابع درست تلاش کند، تا الله (متعال) را با بصیرت عبادت نماید، رسول الله - صلی الله علیه و سلم - می فرماید: **(طلب العلم فريضة على كل مسلم)**،

ترجمه: آموختن علم بر هر مسلمان فرض است. و باید به اوامر الله (متعال) که او را آفریده است مطیع و فرمانبردار باشد، حتی اگر حکمت آنرا بداند و یا نداند، الله (متعال) در قرآن کریم می فرماید:

﴿وَمَا كَانَ لِمُؤْمِنٍ وَلَا مُؤْمِنَةٍ إِذَا قَضَى اللَّهُ وَرَسُولُهُ أَمْرًا أَنْ يَكُونَ لَهُمُ الْخِيَرَةُ مِنْ أَمْرِهِمْ وَمَنْ يَعْصِ اللَّهَ وَرَسُولَهُ فَقَدْ ضَلَّ ضَلَالًا مُبِينًا﴾

﴿وَمَا كَانَ لِمُؤْمِنٍ وَلَا مُؤْمِنَةٍ إِذَا قَضَى اللَّهُ وَرَسُولُهُ أَمْرًا أَنْ يَكُونَ لَهُمُ الْخِيَرَةُ مِنْ أَمْرِهِمْ وَمَنْ يَعْصِ اللَّهَ وَرَسُولَهُ فَقَدْ ضَلَّ ضَلَالًا مُبِينًا﴾
ترجمه:

برای هیچ مرد و زن مؤمنی شایسته نیست که وقتی الله و رسولش به کاری فرمان می دهند، [در اجرای آن فرمان،] اختیاری داشته باشد؛ و هر کس از الله و رسولش نافرمانی کند، حقا که در گمراهی آشکاری گرفتار شده است. [الأحزاب : 36].

و صلی الله و سلم علی نبینا محمد و علی آله و صحبه أجمعین.

پایان

فهرست موضوعات

شماره

موضوع

صفحه

برگشت بر غلاف

به فهرست موضوعات برگرد
تجربه خود را در پیوند به این کتاب با ما شریک بسازید
لطفا صفحهء الکترونی را زیارت کنید
کتاب مناسب برای موبایل
برای انتقال به موضوع فشار بده
برای برگشت به غلاف این تصویر را فشار بدهید
بارکود را کپی کنید
نمایش آموزشی (پاور پوینت)
محصولات این پروژه
کتاب چاپ شده
کتاب موبایل
سایت الکترونی
نمایش پاور پوینت
نسخهء ویژه برای تلفون های هوشمند

فهرست

2	مختصر مفید برای مسلمان جدید
2	پیشگفتار
4	پروردگارم (الله متعال) است
6	پیامبرم محمد (صلی الله علیه وسلم)
7	قرآن کریم کلام پروردگار است
8	با ارکان اسلام آشنا می شوم
12	با ارکان ایمان آشنا می شوم
19	وضوء را می آموزم
23	مسح بر موزه ها و جراب ها
24	غسل
25	تیمم
26	نماز را می آموزم
30	حجاب زن مسلمان
33	خشنودی من در دین اسلام است